

رویکرد چین به بحران اوکراین از منظر تئوری بازی‌ها

سعید سید افا بنی‌هاشمی* - زهرا بهرامی** - فرشته روشن***

چکیده

بحران اوکراین، بحران دیپلماتیک منطقه‌ای بود که در سال ۲۰۱۴ در پی اعتراضات به عدم امضای توافق نامه همکاری اوکراین و اروپا از سوی رئیس جمهور اوکراین آغاز گشت. در پی اوج‌گیری اعتراضات، افزایش تظاهرات و مخالفت‌ها رئیس جمهور اوکراین کشور را ترک نمود و دولت جدیدی شکل گرفت و به دلیل وجود تمایلات سیاسی میان مخالفان و موافقان دولت جدید اوکراین و همچنین حامیان قدرتمند این دو دستگی‌ها بحران اوکراین همچنان ادامه دارد. این امر امنیت خاورمیانه را و حتی امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار داده است. قدرت‌ها بزرگ و کشورهای درگیر هر کدام رویکردی متناسب با منافع خود، فارق از منافع جامعه بین‌المللی، اتخاذ نمودند. چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت و مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در این مورد سیاستی را دنبال نمود که برخی از تحلیل‌گران بیان نمودند کشور مذکور سیاستی مبهم و دوپهلوی دارد و از اعمال رفتاری قاطع ناتوان است. ولیکن باید اشاره نمود چین مانند سایر بازیگران درگیر، سیاستی متناسب با منافع خود اتخاذ نموده است و خواهان برقراری ثبات در منطقه جهت دستیابی بر منافع سیاسی و اقتصادی خود می‌باشد. بررسی این نوع عملکرد چین در مورد بحران اوکراین با توجه به بازیگران درگیر، یعنی روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا و اوکراین قابل توجه می‌باشد. نوآوری این پژوهش آن است که در صدد است با توجه به نظریه بازی‌ها دلیل اتخاذ سیاست‌های چین و دلیل رفتارها و کنش‌های این کشور را در عرصه‌ی کنش بحران اوکراین را مورد بررسی قرار دهد. تا نمایان سازد چگونه کشور مذکور با بررسی سود و زیان منافع خود در قالب بازیگری عقلانی رفتار سیاسی خود را در مسئله اوکراین مدیریت نموده است.

کلید واژگان: چین، اوکراین، روسیه، غرب، تئوری بازی‌ها.

Ihusaied2001@yahoo.com

*. معاون اجرایی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

** . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Mohajer561@yahoo.com

*** . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Roshan2014@yhao.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۹۱-۱۷۵

رویکرد چین به بحران اوکراین از منظر تئوری بازی‌ها

* سعید سعید اقا بنی‌هاشمی

** زهرا بهرامی

*** فرشته روشن

دیباچه

بحران اوکراین به دلیل عدم امضای توافق نامه همکاری اوکراین و اتحادیه اروپا از سوی رئیس جمهور اوکراین آغاز گشت. یانکوویچ رئیس جمهور اوکراین از سال ۲۰۱۰ در مانوری میان روسیه و اتحادیه اروپا درگیر بود و در جست و جوی یک معامله خوب با طرفین بود ولیکن رئیس جمهور اوکراین هرگز قادر به تأمین کمک‌های مالی معقول از بروکسل در برابر بحران ضربه شدیدی که به صنعت اوکراین وارد می‌نمودند و به دلیل نزدیکی ارتباط اقتصادی و سیاسی، نبود. یانکوویچ به صورت ناگهانی در نوامبر ۲۰۱۳ از امضای توافق نامه سیاسی و

Ihusaied2001@yahoo.com

*. معاون اجرایی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

** . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Mohajer561@yahoo.com

*** . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Roshan2014@yhao.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۹۱-۱۷۵

اقتصادی با اروپا خود داری نمود. (Trenin, 2014: 4) او این رابطه را زمینه‌ساز تبدیل اوکراین به بازار مصرفی کالاهای ارزان قیمت اروپا می‌داند که در نتیجه منجر به ورشکستگی منابع کشاورزی و صنعتی خواهد شد. در نهایت مردمی که منتظر چنین تصمیم غافلگیرانه یانکوویچ نبودند اعتراض نموده و در میدان کیف تظاهراتی برپا کردند. که روز به روز بر حجم معترضان افزوده شده و ثبات از این کشور رخت بر بسته بود. با تداوم این روند رئیس‌جمهور از کشور خارج شد و دولت جدیدی شکل گرفت در این راستای قدرت‌های بسیاری در این بحران دخالت نموده و هر کدام تلاش می‌نمودند خود را منجی بحران اوکراین معرفی نمایند. کشور چین نیز که در واقع با تمام بازیگران درگیر، در این وضعیت (روسیه، آمریکا، اتحادیه انجمن اوکراین معرفی نمایروپا و اوکراین) دارای روابط گوناگون سیاسی و اقتصادی بود به اتخاذ سیاستی متناسب با منافع خود اقدام نمود برخی گمان می‌کنند چین در این موقعیت دچار سردرگمی شده و از اتخاذ تدبیری مناسب ناتوان است، در حالی که چین سیاستی اتخاذ نمود که در آن تمام منافع و موقعیت‌هایش را به خوبی سنجیده بود و متناسب با منافع ملی و بین‌المللی اش گام برداشته است. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که در صدد است بررسی نماید چین به عنوان کشوری توسعه یافته که داعیه ابر قدرتی داشته و به عنوان عضو دائم شورای امنیت مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌الملل را بر عهده دارد چه سیاستی در مقابل با بحران اوکراین اتخاذ نموده؟ و این سیاست با توجه به چه اصول و اهدافی شکل گرفته است؟ و در نهایت هدف پژوهش بررسی چرایی اتخاذ موضع بی‌طرف چین در قبال اوکراین می‌باشد که در واقع بررسی این امر منوط به بررسی رابطه چین با سایر بازیگران درگیر می‌باشد. در این مورد منبع مستقیمی یافت نشد ولیکن سایت‌ها و خبرگزاری‌هایی در مورد نقش چین در بحران اوکراین یادداشت‌ها و تحلیل‌هایی ارائه نمودند. لذا نوآوری پژوهش آن است که می‌خواهد با بررسی منافع و روابط چین با بازیگران اصلی طبق نظریه بازی‌ها اثبات نماید چرا چین در این مورد استراتژی غالب نداشته است و سیاستی مبهم و دو پهلو را اتخاذ نموده است. برای بررسی این مقوله پژوهش حاضر در شش قسمت تهیه شده است در قسمت اول اصول سیاست خارجی چین مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش دوم رابطه روسیه و چین و در قسمت سوم رابطه چین با آمریکا و در قسمت

چهارم رابطه چین با اتحادیه اروپا و در نهایت به بررسی رابطه چین با اوکراین و در نهایت با بررسی این بحث در قالب نظریه بازی‌ها تلاش نموده است سیاست چین در بحران اوکراین را بررسی نموده و به اثبات رویکرد معقولانه چین که متناسب با اهداف سیاسی و اقتصادی این کشور طراحی شده بود را بپردازد.

چهارچوب نظری اصول سیاست خارجی چین چین و روسیه

چین و روسیه بعد از جنگ سرد به تقویت رابطه خود در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی اقدام نمودند. همگرایی دو کشور بسیار بالاست و توانسته‌اند برخی معضلات میان خود را حل و فصل نمایند. هیچ کدام از کارشناسان طرفین احساس خطر نظامی در کوتاه مدت از جانب یکدیگر ندارند و حتی کشور روسیه تجهیزات نظامی به چین می‌فروشد و هر دو برنگرانی خود در مورد تلاش‌های آمریکا و متحدانش برای تقویت ظرفیت دفاع موشکی بالستیک تاکید نموده‌اند. روابط دفاعی دو طرف نیز تکامل یافته‌تر، رسمی‌تر و جامع‌تر از قبل شده است. مقامات نظامی روسیه و چین در شکل‌های مختلف و مکرراً با هم دیدار می‌کنند از جمله نشست‌های سالانه وزارت دفاع و رؤسای ستاد کل نیروهای نظامی طرفین می‌باشد. روسیه و چین از سال ۱۹۹۷ بین معاونان و رئیس ستاد کل نیروهای نظامی خود به طور سالیانه مذاکرات استراتژیک سازماندهی کرده‌اند. در مارس ۲۰۰۸ وزیر دفاع چین خط تلفن مستقیم با همتای روس خود ایجاد نمود و هم‌اکنون نیز دو طرف در حال بررسی توانایی فضای سایبری آمریکا و آماده نمودن برنامه تهاجمی برای تخریب شبکه دفاعی آمریکا در صورت لزوم هستند. (www.bashgah.net 1393/6/5)

از همه مهمتر آنکه چین و روسیه توانسته‌اند مناقشات مرزی خود را حل نمایند. مناطق مرزی مورد اختلاف پکن و مسکو در دوران جنگ سرد صحنه درگیری اتحاد جماهیر شوروی سابق و چین کمونیست بود. این اختلاف یکی از عوامل اصلی پدیده‌ای بود که در دوران جنگ سرد به نام "شکاف در جبهه کمونیسم" شناخته می‌شد. بالاخره با معاهده که

ما بین سرگئی لاوروف و یانگ جیروچی وزارت امور خارجه دو کشور انجام شد به اختلاف مرزی ۴۰ ساله دو طرف پایان داد. انگیزه دو کشور برای حل اختلاف تاریخی علاوه بر همکاری استراتژیک پکن و مسکو در زمینه سیاسی و دیپلماتیک، انگیزه اقتصادی نیز دارند که بازار انرژی یکی از مهمترین بخش آن را تشکیل می‌دهد. به گفته مقامات چینی طرف‌های روس طی این معاهده موافقت کردند تا جزیره پین لونگ که روس‌ها به آن جزیره تارا باروف می‌گویند و همچنین نیمی از جزیره میشیازی را به چین واگذار کنند. (www.magiran.com 1387/5/2) علاوه بر این دو کشور مذکور نگرانی مشترکی نسبت به جدایی طلبان قومی در نزدیکی مرزهایشان دارند. مقامات روس از چشم انداز نامعلوم بی‌ثباتی در قفقاز شمالی و به ویژه چچن و داغستان وحشت زده‌اند و از سوی دیگر رهبران چین نیز نگران رشد احساسات جدایی طلبانه در مناطق نا آرام و خود مختار سین کیانگ و تبت و تایوان هستند. سین کیانگ چین دارای مرزهای مشترک و استراتژیک با کشورهای افغانستان، پاکستان، هندوستان، تاجیکستان، قرقیزستان، مغولستان و روسیه است. هرچند این منطقه خود مختار بیشتر کویری است اما از نظر معادن زیر زمینی غنی است و بیشترین منابع طبیعی را نسبت به سایر بخش‌های کشور به ویژه نفت و گاز در این منطقه واقع شده است. در کنار این امر همسایگی این منطقه، با کشورهای گوناگون آسیای مرکزی و جنوبی چین را واداشته تا از این منطقه به عنوان فراهم کننده نفوذ بیشتر در منطقه بهره برده و به شدت با هرگونه جدایی طلبی قومی و بنیاد گرایان مذهبی برخورد نماید. و همچنین چین بخش‌های مهمی از صنایع تسلیحاتی و پایگاه‌های آزمایش سلاح‌های هسته‌ای خود را در این منطقه مستقر نموده است. در مورد تبت نیز مناقشه بر سر حاکمیت آن به حدود نیم قرن قبل و زمانی که ارتش خلق چین برای سرکوبی بودایی‌ها جدایی طلب به این ایالت کوچک لشکر کشی کرد و صدها نفر را از دم تیغ گذراند باز می‌گردد. ((www.farsnews.com 1392/6/3) پس از این درگیری‌ها بود که دلایلی لاما رهبر تبتی‌ها با ترک این منطقه به نماد مقاومت تبتی‌ها در برابر حاکمیت چینی‌ها تبدیل شد. لیکن ادامه نا آرامی‌ها در منطقه پکن را وادار به اعطای خود مختاری بیشتر به تبتی وادار کند. (www.aftab.ir 1386/12/2) تایوان یا دولت جمهوری چین در ده اکتبر ۱۹۱۱ در پی خیزش وو چانگ تشکیل شد و در ۱ ژانویه ۱۹۱۲ رسمیت یافت این دولت در گذشته سرزمین اصلی چین و جمهوری

مغولستان را دربر می‌گرفت. این کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم مجمع الجزایر تایوان و پنگو را از ژاپن پس گرفت و قانون اساسی جدیدی را در سال ۱۹۴۷ به تصویب رسانید. اما در پی جنگ داخلی چین در سال ۱۹۴۹، حزب ناسیونالیست چین، حزب حاکم کشور تمامی سرزمین اصلی این کشور را به حزب کمونیست چین واگذار نمود. در نتیجه دولت جمهوری چین به ریاست چیانگ کای شک در جزیره تایوان مستقر شده و شهر تایپه را به عنوان پایتخت موقت دولت در تبعید این کشور برگزید. این در حالی است که از آن هنگام جمهوری خلق چین به سرزمین اصلی حکومت می‌کند. جمهوری خلق چین این حکومت را نیز قانونی خوانده و خواهان بازگشت این سرزمین به خاک اصلی چین است و آمادگی خود را برای استفاده از زور در صورت لزوم اعلام داشته است (www.fa-wikipedia.com). بدین ترتیب، با وجود نگرانی مشترک دو کشور در این امر چین نمی‌تواند در برابر جدایی کریمه از اوکراین سیاستی جانبدارانه اتخاذ نماید زیرا منافع حیاتی خود را به خطر انداخته و بر جدایی طلبان کشور خود نیز مشروعیت می‌بخشد. از سوی دیگر هر دو کشور نسبت به حاکمیت و فلسفه آن دیدگاهی مشترک دارند در حقیقت آن‌ها بر سر حاکمیت مطلق دولت، عدم دخالت دیگران، حفظ تمامیت ارضی، حاکم بودن حاکمیت سنتی اشتراک دارند. و از دیدگاهی مشترک نسبت به مسائل چون حقوق بشر، دموکراسی، قانون حاکمیت و... برخوردارند.

چین و روسیه دارای توافقنامه‌های گوناگون تجاری و اقتصادی با یکدیگر نیز هستند. چین که رشد اقتصادی سالانه ۹ درصدی دارد نیازمند تأمین انرژی می‌باشد. که برآورده می‌شود در سال ۲۰۲۰ چین به ۳۰۰ میلیون تن نفت وارداتی نیازمند است. در نهایت جای تعجب نیست که امنیت و تأمین انرژی یکی از اولویت‌های چین برای چهار برابر کردن تولید ناخالص ملی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ تبدیل شده است. (www.idsp.ir 1390/2/20)

اقتصاد روسیه نیز برای توسعه روابط و همکاری‌های خود با کشورهای شرقی و به خصوص چین گام بر می‌دارد. دمیتری آلبزولوف رئیس مرکز ارتباطات راهبردی روسیه در این باره تأکید کرد: به جای آمریکا و اروپا اکنون هدف اصلی ما شرق و جنوب آسیا خواهد بود. همکاری روسیه با چین در بخش‌های مواد خام، مهندسی و تکنولوژیکی نظامی و کشاورزی می‌باشد. (www.nividar.com 1393/6/5)

بر اساس گزارش وزارت تجاری و بازرگانی چین، شرکت‌های این کشور در سال گذشته

محصولات کشاورزی به ارزش ۲ میلیارد و یکصد میلیون دلار به روسیه صادر کردند. آمار گمرک چین طی هفت ماهه اول سال ۲۰۱۴ میلادی، مبادلات تجاری بین روسیه و چین را با رشد ۴ درصدی سالانه، ۵۲ میلیارد دلار نشان داد. (www.nividar.com 1393/6/5)

یکی از مهمترین موافقتنامه‌های اخیر میان دو کشور در زمینه اقتصادی قرار داد صدور گاز روسیه به چین است. در طول سفر رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین در تاریخ ۲۱ مه سال ۲۰۱۴ چین و روسیه توافقنامه ۳۰ ساله گاز به ارزش ۴۰۰ بیلیون دلار را امضا نمودند. طبق آن تا سال ۲۰۲۰ روسیه در نظر دارد در هر سال ۳۸ میلیون متر مکعب گاز به چین از مزارع دست نخورده سیبری ارسال نماید. اجرای این معامله نیازمند ۸۰ میلیون دلار ارزش برای تولید و زیر بنا سازی خط لوله جدید است. پوتین ادعا دارد که این بزرگترین پروژه ساخت و ساز در جهان در ۴ سال آینده است. (Weser, Murray, 2014:3) این حجم گاز یک چهارم نیاز کنونی چین را تامین می‌کند. خبرگزاری روسی ایتر فاکس به نقل از پوتین نوشت که اکنون برای اجرایی شدن قرارداد بزرگترین ساخت و ساز جهان در دو کشور به وجود خواهد آمد، قرار است دو کشور در مجموع ۵۱ میلیارد یورو برای عملیات زیر بنایی و لوله کشی گاز از روسیه به چین سرمایه‌گذاری کنند. (Quoted from: www.dw.de 2014/5/28)

علاوه بر موارد بالا موضع دو کشور در قبال بسیاری از تحولات سیاسی از جمله چالش‌های منطقه‌ای مانند سوریه، کره شمالی و ایران و... و همکاری در جهت کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه می‌تواند نزدیکی دو کشور به یکدیگر را بیشتر نمایان سازد. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد دو کشور روابط سیاسی و اقتصادی بسیار پیچیده‌ای با یکدیگر دارند که منجر می‌شود هر دو طرفین با توجه به اشتراکات و نگرانی‌های سیاسی و اقتصادی و حتی امنیتی سیاست خارجی را اتخاذ نموده و رفتار بین‌المللی خود را مدیریت نمایند. پکن و مسکو برای رشد اقتصادی و سیاسی و تغییر وزنه نظام بین‌الملل از سوی یکجانبه‌گرایی آمریکا به سوی چند قطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل به یکدیگر نیاز دارند. به علاوه همانطور که ذکر شد نگرانی چین در مورد مناطق خود گردان مذکور مسئله است که در کنار روابط سیاسی و اقتصادی مزید بر علت شده تا این کشور سیاستی حساس و پیچیده را در مقابل بحران اوکراین پی بگیرد. زیرا از یک سو باید بتواند روابط سیاسی و اقتصادی خود را با کشور روسیه حفظ نماید و از سوی دیگر بر این امر واقف است که

حمایت از روسیه در برگزاری فراندوم در کریمه و الحاق آن به روسیه با شعار حق تعیین سرنوشت، می‌تواند نیروهای خودگردان چین را نیز تحریک نموده و در آینده دولت چین را مجبور می‌کند در مقابل همین شعار حق تعیین سرنوشت کوتاه آمده و به مناطق خودگردان استقلال عمل دهد. بدین ترتیب چین باید سیاستی را اتخاذ نماید که در آن ضمن لحاظ نمودن حفظ منافع در منطقه و روابط با بازیگران از جمله روسیه، مطابق با منافع ملی خود حرکت نماید.

رابطه چین با آمریکا

اقتصاد چین برای بیش از دو دهه رشدی بالغ بر ۹ درصد را در سال داشته است و این رشد به میزان زیادی به تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری اقتصادهای بزرگ دنیا در این کشور بستگی دارد. چین برای پیشبرد برنامه نوسازی و ارتقای شاخص‌های زندگی در این کشور به رشد و گسترش صادرات وابسته است. مطابق داده‌های آماری چین، بازار آمریکا ۲۲ درصد صادرات چین را طی بیست سال اخیر در خود جذب کرده است. روابط چین و آمریکا از سال ۱۹۸۶ آغاز گشته است که این رابطه تا سال ۲۰۰۱ بدین صورت بود که این دوران چین می‌کوشید به عضویت گات و سپس جانشین آن یعنی سازمان تجارت جهانی در بیاید. سیاست تجاری آمریکا در قبال چین طی این دوران به مذاکرات اولیه درباره توافقنامه تجاری مورد نیاز برای وارد کردن چین به نظام تجاری جهانی متمرکز است. تجارت دو جانبه میان دو کشور به میزان قابل توجهی رشد کرد و از دو میلیارد به ۱۲۱ میلیارد دلار رسید و چین از مقام هجدهم شریک تجاری بزرگ آمریکا به چهارمین شریک تجاری این کشور تبدیل شد. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ نیز مناسبات تجاری آمریکا و چین بعدی وسیع‌تر یافت چین عضو سازمان تجارت جهانی بود و در این مدت تعهدات خود در قبال این سازمان را که باید به صورت کامل انجام می‌داد پایان یافت. در این دوره روابط دو کشور به لحاظ سیاسی و اقتصادی تعمیق یافت. برآورد آمریکا از عملکرد چین به میزان زیادی به نحوه پای بندی چین به تعهدات پذیرفته شده در قبال سازمان تجارت جهانی از جمله کاهش نرخ تدریجی تعرفه‌ها، بازگشایی بازارها رو به خدمات، حمایت از حقوق

مالکیت معنوی و... بود. از سال ۲۰۰۵ تا کنون روابط دو کشور نوسانات گوناگونی داشته است ولیکن هر دو وجود و لزوم رابطه با یکدیگر را پذیرفته‌اند. چین در سال ۲۰۰۸ با سهم ۵۳/۶ درصد از کل واردات آمریکا بزرگترین تأمین کننده خارجی تجهیزات رایانه‌ای بود و سومین تأمین کننده محصولات کشاورزی با سهم ۴۳ درصد از محصولات وارداتی آمریکا بود و در مقابل عمده صادرات آمریکا به چین در سال ۲۰۰۸ بازیافتی‌ها، نیمه رسانه‌ها و دیگر قطعات الکترونیکی و دانه‌های روغن و غلات بود. چین در سال ۲۰۰۹ به منبع اصلی واردات آمریکا تبدیل شد با اختصاص ۱۹ درصد از کل واردات، و از کانادا و مکزیک با اختصاص به ترتیب ۱۴ درصد و ۱۱ درصد از کل واردات آمریکا در سال ۲۰۰۹ پیشی گرفت. چین در سال ۲۰۰۹ نیز سومین بازار صادراتی برای آمریکا با ۶۶ درصد از کل صادرات بود. (www.loc.gov 2010/9/11) این روابط همچنان با کمی تغییرات ادامه دارد جدول زیر نمایی از روابط دو کشور در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ می‌باشد.

Month	Exports	Imports	Balance
January 2013	9,383.4	37,194.2	-27,810.7
February 2013	9,133.9	32,742.7	-23,608.7
March 2013	9,534.3	27,294.9	-17,760.6
April 2013	8,947.6	33,135.2	-24,187.6
May 2013	8,748.6	36,618.8	-27,870.2
June 2013	9,218.6	35,886.2	-26,667.6
July 2013	8,722.7	38,805.1	-30,082.4
August 2013	9,349.7	39,164.6	-29,814.9
September 2013	9,521.5	40,152.1	-30,630.6
October 2013	13,105.3	41,848.8	-28,743.5
November 2013	13,064.7	40,107.4	-27,042.8
December 2013	13,006.0	37,497.7	-24,491.7
TOTAL 2013	121,736.4	440,447.7	-318,711.3

Month	Exports	Imports	Balanc
January 2014	10,357.0	38,196.6	-27,839.6
February 2014	9,878.9	30,740.5	-20,861.6
March 2014	10,830.2	31,233.7	-20,403.5
April 2014	9,025.3	36,309.6	-27,284.3
May 2014	9,222.1	37,991.8	-28,769.7
June 2014	9,352.9	39,411.1	-30,058.2
July 2014	9,288.2	40,151.3	-30,863.0
August 2014	9,631.2	39,828.6	-30,197.4
TOTAL 2014	77,585.8	293,863.1	-216,277.3

<https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.htm>

اما این امر فقط یک طرف ماجرا می‌باشد. با اینکه آمریکا به صورت جنگ طلبانه در منطقه آسیا پیش می‌رود ولی چینی‌ها به واسطه اجرا برنامه ساخت و ساز و پروژه‌های اقتصادی با سمت‌گیری تجاری پیوسته و به طور منظم به سوی غرب در اوراسیا در حرکت هستند. پکن مدت‌هاست به ساختن زیرساخت‌های حمل و نقل و خطوط لوله انرژی در اوراسیا مشغول است و این زیر ساخت‌هایی که ساخته می‌شود موتور محرکه یک رستاخیز اقتصادی است، چین همچنین مشغول ساختن بنادر متعدد در سواحل عمیق و در اختیار گرفتن خطوط راه آهن، بزرگراه‌ها، تونل‌ها و مراکز حمل و نقل مختلف در سراسر این مسیر است. و عملاً این پروژه یکپارچگی و پیوستگی منطقه را پیاده می‌کنند. واشنگتن در مقابل به تحریک و تشویق اختلاف ما بین چین و کشورهای هم جوار آن در دریای جنوب و جنوب شرقی چین مبادرت ورزیده است. مقامات آمریکایی در رویای خود خواب فعالیت مجدد سنتو را هم می‌بینند. و همچنین بخش‌های آسیایی پروژه سپر جهانی موشکی نیز وجود دارد که پنتاگون در حال اجرا و ساختن آن در جوار مرزهای شرق و پر جمعیت شرقی چین است این پروژه بخشی از استراتژی محاصره اوراسیا است که هم چین و هم

روسیه را هدف خود قرار داده است. طرح تی تی پی^۱ شراکت و همکاری در سراسر اقیانوس آرام برای منزوی ساختن چین، آن هم با ایجاد موانع تجاری ما بین پکن و دیگر مناطق اقیانوس آرام یکی از برنامه‌های آمریکا برای منزوی ساختن چین می‌باشد.

چین از ترس نیروهای دریایی آمریکایی دست به نوسازی و تجهیز موشک‌ها، زیر دریایی‌ها و سلاح‌های ضد رادار و سایبری اش زده است. ارزیابی اخیر پنتاگون از توانایی ارتش چین سبب شده تایوان پایگاه‌ها و ناوهای هواپیما برش در نزدیکی سواحل چین را در خطر ببیند و به استخدام نیرو بیشتر برای خدمت در اقیانوس اقدام نماید چین هم اقدامات واکنشی نشان خواهد داد.

نزاع استراتژیک آمریکا و چین در سه مسئله اصلی نمایان است که این امور در تمام مقاطع بر سیاست چین تاثیرگذار بوده است.

مسئله تایوان: پس از تأسیس جمهوری خلق چین، دولت آمریکا سیاست منزوی سازی و بازدارنده را علیه چین نو اتخاذ نمود این کشور پس از آغاز جنگ کره در در وابط دو ساحل تنگه تایوان که صد درصد جزء امور داخلی چین است مداخله مسلحانه نمودند در دسامبر ۱۹۵۴ آمریکا با مقامات تایوان پیمان "دفاع مشترک" را امضا کرد و استان تایوان چین را تحت حیطه حفاظتی آمریکا قرار داد. مداخله مستمر دولت آمریکا در امور داخلی چین باعث تشنجات طولیل المدت مقابله در منطقه تایوان شده است و مسئله تایوان نیزبه مناقشه مهم و بزرگی بین چین و آمریکا تبدیل شده است. چین همواره تایوان را جزء لاینفک سرزمین خود می‌داند و بارها به آمریکا در مورد همکاری نظامی با تایوان هشدار داده است. بعد از عقد قرارداد نظامی گسترده آمریکا و تایوان چین به طور فزاینده‌ای نگرانی خود را از این مورد ابراز نموده است. این مسئله هنوز ادامه دارد و آمریکا تایوان را برگ برنده در مقابل چین می‌داند.

مسئله دریای جنوبی: به دلیل اکتشاف منابع بسیار عظیم نفت و گاز در این منطقه؛ امروزه به عنوان "خلیج دوم" شناخته می‌شود. و بر اساس آمار و اطلاعات اداره اطلاعات انرژی آمریکا در این دریا ۸ میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت و ۲۸ میلیارد بشکه ذخیره

بالتوجه وجود دارد. این درحالی است که بر اساس اطلاعات همین سازمان، در ایندیریا ۲۰ تریلیون متر مکعب نیز گاز طبیعی وجود دارد، چین برای حفظ وجه جهانی خود نیازمند اعمال قدرت در این منطقه می‌باشد. اما آنچه مقامات چینی را در این خصوص نگران می‌کند این است که اعمال فشار و قدرت در همسایگان خود به جای اینکه مفید باشد ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. این نتیجه معکوس عبارتند از نزدیکی بیش از پیش این کشورها به قدرت‌های فرا منطقه‌ای به خصوص آمریکا و دادن بهانه به دست ایالت متحده برای حضور بیشتر در این منطقه. این در حالی است که تلاش‌های آمریکا برای افزایش توان نظامی کشورهای منطقه در برابر چین و برگزاری رزمایش‌های مشترک توسط کشورهای منطقه با آمریکا از هم اکنون به یک نگرانی عمده برای مقامات سیاسی و نظامی پکن تبدیل شده است. استراتژی جدید نظامی آمریکا مبنی بر حضور بیشتر در منطقه آسیا و اقیانوسیه و مقابله سایبری با چین در این راستا ارزیابی می‌شود. ضمناً در سال ۲۰۱۱ توافق نظامی جدید را با استرالیا برای اعزام ناوگان جنگی، جنگنده‌ها و ۲۵۰۰ تفنگدار دریایی به شهر داروین استرالیا در نزدیکی چین به امضای رساند. این اقدام آمریکا با هدف نظارت بیشتر و بهتر بر عملکرد نظامی چین صورت می‌گیرد. در همین رابطه قرار است هواپیماهای جاسوسی آمریکا نیز در سواحل استرالیا مستقر شوند همه این اقدامات در راستای کنترل چین و محصور ساختن آن می‌باشد. (www.irtt.ir 1391/5/10)

مسأله افغانستان

چین به دنبال افزایش نفوذ اقتصادی خود در افغانستان از طریق تصرف بازار آن کشور و همچنین دست یابی به منابع و ذخایر زیر زمینی افغانستان هستند. طبق آمارهایی افغانستان دومین معدن مس جهان را بعد از شیلی در اختیار دارد. به همین دلیل به نزدیکی چین به این کشور برای تأمین مواد حیاتی خود دارد. اما در پشت پرده، چینی‌ها قطعاً اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند که مهمترین آن‌ها مقابله با نفوذ آمریکا و ایجاد توازن در منطقه است. چینی خواهان امضای پیمان استراتژیک با افغانستان هستند تا توازن به نفع آمریکا نباشد

(www.irtt.ir 1391/5/10).

در نهایت، می‌توان بیان نمود چین از سوئی با آمریکا، مدعی هژمون جهانی دارای رابطه‌ی اقتصادی بسیار پیچیده‌ای می‌باشد و منافع بسیاری از این رابطه به دست می‌آورد از سوئی دیگر چین با ایالت متحده بر سر مسائل ذکر شده دارای اختلافاتی می‌باشد که برایش اهمیت استراتژیک داشته و قابل چشم پوشی نمی‌باشد و به دلیل اهمیت بسیار اقتصاد در این کشور چین نمی‌تواند رابطه اقتصادی‌اش را با کشوری چون آمریکا در به خطر بیندازد در نهایت باید سیاستی اتخاذ نماید تا بتواند از سوئی منافع اقتصادی را حفظ نموده و منافع حیاتی‌اش را به خطر نیاندازد. در مورد بحران اوکراین نیز چین در طیفی قرار گرفته بود که یک سوی آن ایالت متحده بود و سوی دیگرش روسیه چین باید به گونه‌ای رفتار نماید تا بتواند هر دو طرف را برای خود حفظ نماید از این سو بسیاری از تحلیل‌گران چین را در موقعیت بحرانی و سردرگمی می‌دانند. در حالی که اتخاذ رویکرد بی‌طرفی و مبهم که چین در بحران اوکراین اتخاذ نمودنشان گر عدم وجود استراتژی غالب برای این کشور در حرکت به سمت دو طیف می‌باشد. در نهایت، چین با بررسی هر دو طرف و حتی با توجه به رابطه‌ای که با اتحادیه اروپا و اوکراین دارد که در ادامه توضیح داده خواهد شد به اتخاذ سیاستی پرداخت تا ضمن تاکید بر حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، حفظ استقلال و حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و با عدم تایید رفراندوم اوکراین و عدم محکوم نمود روسیه منافع حیاتی خود را دنبال نماید.

بررسی بحران از دید گاه تئوری بازی‌ها

در این بخش سعی شده این بحران را از دید گاه تئوری بازی‌ها بررسی نموده و آینده این بحران رایش بینی نماییم.

برای بررسی این بحران در وحله اول نقاط قوت و ضعف روسیه را در این بحران بررسی می‌کنیم.

اهرم‌های قوت روسیه

۱. گاز و نفت روسیه و اهمیت صدور آنها به بازارهای اروپا و آمریکا
۲. پیمان‌های محدود سازی تولید و آزمایشات موشک‌های بالستیک و... و خطر خروج احتمالی روسیه از آنها یا عدم اجرای آنها توسط روسیه.

۳. توانمندی و قابلیت‌های روسیه در مناسبات و حوادث منطقه خاورمیانه و اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی.

۴. توان تأثیر گذاری روسیه بر روند مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب

۵. جذابیت بازار بزرگ روسیه برای کمپانی‌ها و شرکت‌های غربی

۶. واردات روسیه از غرب در موارد مختلف صنعتی، دارویی، غذایی و فراورده‌های کشاورزی (هم به عنوان اهرم قوت و به عنوان نقطه ضعف قابل تصور است).

نقاط ضعف روسیه

۱. احتمال جایگزین شدن رقبای گازی روسیه با روسیه - یا فروش گاز خریداری شده توسط یک کشور از فروشندگان گاز به غربی‌ها. (مثلا مجارستان اقدام به فروش گاز که خریداری کرده به سایر کشورهای اروپایی بکند)

۲. خروج بیش از صد و شصت میلیارد دلار سرمایه غربی‌ها از روسیه (طبق برآورد برخی از کارشناسان روس) که موجب رکود و رشد منفی اقتصادی روسیه خواهد شد.

۳. محکومیت روسیه در دادگاه‌های بین‌المللی بابت نقض قراردادهای بین‌المللی و مانع تراشی برای کسب سود توسط شرکت‌های غربی و محکوم شدن به پرداخت غرامت.

۴. تحریم‌های فلج کننده و رو به افزایش غرب علیه روسیه.

۵. قابلیت و توانمندی نظامی کمتر روسیه نسبت به ناتو.

۶. نیاز روسیه به تکنولوژی غربی و دارو و سایر محصولات غربی

در مورد نقاط قوت و ضعف غرب می‌توان عکس حالات ذکر شده در بالا را ذکر کرد. بنابراین برای جلوگیری از تکرار مطالب از نوشتن آنها خودداری می‌کنیم.

جدول ماتریسی امتیازات

با توجه به ملاحظات مذکور یک جدول ماتریسی رسم می‌کنیم که عملکرد دو بازیگر را در مقابل هم نشان می‌دهد. بینش قوی و مهارت و درک صحیح کارشناس در تخصیص امتیاز به رفتارهای دو طرف مؤثر است. طبیعی است که امتیازات اختصاص داده شده به هر

وضعیت یا عملکرد مطلق و کاملاً سرشار از یقین و صحت نیستند و صرفاً استنباط کارشناس را نشان می‌دهند. میزان موفقیت تحلیل را وقوع حوادث آینده و گذر زمان معلوم خواهد کرد. در بسیاری از موارد بین دو کارشناس در تحلیل یک مورد تفاوت‌های آشکاری وجود دارد و ممکن است به نتایج متفاوتی برسند. حال به جدول ماتریسی‌ای که تدارک دیده‌ایم و ارزش‌های مقادیر آن با توجه به ارزیابی انجام شده توجه می‌کنیم:

RUSSIA

	Sanction	Dialog	Fight
Sanction	5, 3	8, 2	5, 3
Dialog	2, 10	7, 7	5, 2
Fight	3, 6	3, 5	6, 4

UKRAIN CRISIS

در جدول فوق اعداد سمت چپ در هر خانه مربوط به غرب و اعداد سمت راست مربوط به روسیه است. به عنوان مثال با نگاهی به جدول فوق در می‌یابیم که اگر غرب استراتژی تحریم و مجازات را انتخاب کند و در همان حال روسیه به استراتژی مذاکره متوسل شود، غرب بیشترین امتیاز و روسیه کمترین امتیاز را کسب خواهد کرد. و یا اگر روسیه به تحریم غرب مبادرت کند و در همان حال غرب به استراتژی مذاکره متوسل شود، روسیه بیشترین مزیت و غرب کمترین مزیت را کسب خواهد کرد.

در تخصیص امتیازات استراتژی‌ها و گزینه‌های مختلف جدول ماتریس می‌توان به عواملی نظیر افکار عمومی جهانی اشاره کرد که انتخاب گزینه‌ها توسط بازیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به پیامدهای ناشی از عکس العمل‌های موافق یا مخالف مردمی و عمومی که روز به روز به اهمیت بیشتری می‌یابند، می‌توان امتیازات هر گزینه را کم

یا زیاد کرد. به عنوان مثال در جدول فوق اگر روسیه استراتژی مذاکره را انتخاب کند، ولی غرب به جنگ مبادرت کند؛ علی رغم این که به لحاظ نظامی غرب دست برتر را دارد، اما برای روسیه امتیاز بالاتری در نظر گرفته شده است که یکی از دلایل آن افکار عمومی جهانی و مخالفت آن با جنگ است که دست طرفین را برای اتخاذ استراتژی جنگ بسته نگه می‌دارد.

تفسیر جدول

چنانچه ملاحظه می‌شود در دو خانه از جدول فوق که رنگ‌آمیزی شده‌اند «تعادل نش» وجود دارد. چرا که در هر دو خانه بزرگ‌ترین اعداد مربوط به دو طرف در استراتژی اتخاذ شده در کنار هم قرار گرفته‌اند. این امر بیان‌کننده این امر است که در حالتی که دو طرف به مذاکره روی بیاورند در تعادل قرار می‌گیرند و از امتیاز برابر برخوردار خواهند شد. بنابراین هر چند که هر کدام از آنها مایل به کسب امتیاز بیشتری هستند، اما چون دارای توان محاسبه عقلایی هستند تمایل به چنین استراتژی‌ای پیدا می‌کنند که اگر چه حداکثر سود را برای آنها به همراه ندارد، ولی خیال آنها را از بابت خطر ضرر هنگفت و باختن راحت می‌کند. در جدول ما به طرز جالبی یک تعادل نش دیگر هم به چشم می‌خورد که استراتژی کاملاً متفاوت و عجیبی را به طرفین برای رسیدن به حاشیه امن و تقسیم مساوی امتیازات پیشنهاد می‌کند. این پیشنهاد چیزی نیست مگر مبادرت کردن دو طرف به جنگ با یکدیگر! این پیشنهادات متفاوت باعث به وجود آمدن سرگردانی کارشناسان و تردید خواهد شد. دو استراتژی کاملاً متضاد و دارای پیامدهای کاملاً متفاوت؛ هر چند که در اینجا خانه مربوط به تعادل نش برای استراتژی جنگ کم‌رنگ‌تر نشان داده شده است. دلیل آن این است که در واقع اتخاذ استراتژی مذاکره به دلیل پشتوانه امتیازات بالاتر که در جدول هم به چشم می‌خورد و نیز منافع عظیم انسانی و اقتصادی و مشروعیتش رجحان می‌یابد. هر چند که در ظاهر در این جدول استراتژی غالب دیده نمی‌شود، زیرا بزرگ‌ترین اعداد دو طرف در کل جدول در کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند. با این همه از روش‌های دیگری کمک می‌گیریم تا نتایج حاصل از آنها را با نتیجه فعلی مقایسه کنیم تا شاید رهیافت دقیق‌تر و قاطعی برایمان حاصل شود.

تحلیل نهایی و نتیجه گیری

تحلیل ما در مسأله بررسی آینده مناسبات دول غربی و فدراسیون روسیه که در نتیجه حوادث کشور اوکراین و دولت غرب گرای این کشور و درگیری‌ها یش با روس گرایان جدایی طلب به وخامت گراییده و جدایی شبه جزیره کریمه از اوکراین و پیوستنش به روسیه که با تحریک روسیه صورت گرفته نیز به آن دامن زده، به گونه‌ای رقم خورد که برای یافتن اولویت‌های رفتاری روسیه و غرب به عنوان دو بازیگر اصلی مجبور به استفاده نظریه بازی‌ها در آن شدیم. ولی با این همه از داده‌های حاصله از این بررسی هم می‌توان به نتیجه‌ای قابل قبول دست یافت. یافته‌های حاصله از این روش به کار رفته در این تحقیق با همه تفاوت‌ها از مشترکاتی هم برخوردار هستند که از کنار هم قرار دادن آنها سعی داریم تحلیل نهایی خویش را بیان کنیم.

با توجه به مجموع عملیات صورت گرفته در این بررسی مشاهده می‌شود که گزینه گفتگو و مذاکره در هر دو طرف گزینه‌ای پررنگ و مهم تلقی می‌شود، اما همچنین تمایل به جنگ توسط روس‌ها بیشتر از غربی‌ها علی‌رغم برتری نظامی غرب، وجود دارد. به عبارتی روس‌ها در صورتی که از مذاکره به نتیجه مطلوب نرسند آمادگی بیشتری برای توسل به قوه قهریه در مرحله بعدی دارند؛ حتی اگر این کار یک انتحار از نظر صاحب نظران تلقی شود. اما در طرف غربی تمایل به تحریم و مجازات اقتصادی بسیار شدیدتر از حتی گفتگو و مذاکره است و کمترین تمایل را نیز برای اتخاذ گزینه جنگ دارند.

منابع

Trenin Dmitri , 9July2014. **CARVEGIE MOSCOW CENTER** "THE UKRAINE CRISIS AND THE RESUMPTION OF GREAT-POER RIVALRY

Murray Graig , june 2014. Koch-Weser Iacob "THE CHINA- RUSSIA GAS DEAL:BACKGROUND AND IMPLICATIONS FOR THE BROUDER RELATIONSHIP", www.uscc.gov.9

www.bashgah.net 1393/6/5 سایت باشگاه اندیشه

www.magiran.com 1387/5/2 بانک اطلاعات نشریات کشور

www.farsnews.com 1392/6/3 سایت فارس نیوز

www.aftab.ir 1386/12/2 سایت افتاب

www.idsp.ir 1390/2/20 موسسه چشم انداز توسعه و امنیت

www.nividar.com 1393/6/5 سایت نیو دیدار

www.dw.de 2014/5/28 سایت دویچه وله

www.loc.gov 2010/9/11 کتابخانه کنگره امریکا

www.irtt.ir 1391/5/10 پرتال رسمی اندیشکده روابط بین الملل